



دری که

با کمک همسایه‌ها باز شد

فرامرز - پیرزن از سرما دست‌هایش را زده بود زیر بغلش. به اطراف نگاه می‌کرد. پاهایش می‌لرزید. بین در ایستاده بود و با ناامیدی در کوچه سرک می‌کشید. هر عابری را که از مقابل خانه‌اش رد می‌شد، صدا می‌زد. از مقابل در کنار می‌رفت و داخل خانه را نشان می‌داد. زمانی طول نمی‌کشید تا عابر در حالی که سرش را به نشانه تاسف تکان می‌داد، از خانه پیرزن بیرون می‌آمد. کنجکاو شدم که چه بر سر همسایه‌مان آمده است. ماجرا چیست که هر عابری را به خانه‌اش می‌کشاند. جلوتر که رفتم، پیرزن همسایه‌مان را هم به داخل دعوت کرد. در ورودی از داخل قفل شده و پیرزن در این سرمای هوا بیرون مانده بود. کرمانج بود و درست نمی‌توانست فارسی صحبت کند. با همان چند کلمه‌ای که بلد بود، مدام تکرار می‌کرد که فشار خون دارد و باید به داخل خانه‌اش برود. می‌گفت در خانه تنهاست و پسر و عروسش در مسافرت هستند. لباس چندانی به تن نداشت. پاهایش از سرما می‌لرزید. به جاکفشی کنار حیاط تکیه داده بود. دختر کوچک با تعجب به پیرزن نگاه می‌کرد. کلید پیاپی می‌چرخید اما خبری از باز شدن نبود. هر چه اصرار کردم که به همراهم بیاید و در خانه ما منتظر کلید ساز باشد، قبول نمی‌کرد. باز همان جملات را تکرار می‌کرد که قرص‌های فشارش در خانه مانده است و فشارش بالاست. باید به داخل خانه برود. همسایه روبروی پیرزن می‌خواست برای ادای فریضه نماز به مسجد برود که با دیدن پیرزن در این شرایط از مسجد رفتن منصرف شد. هر چه خودش یا در کلنجار رفت، فایده‌ای نداشت که نداشت. کنار در ورودی، پنجره کوچکی بود که به داخل هال باز می‌شد اما فاصله‌اش از زمین زیاد بود و عبور از آن کار هر کسی نبود. همسایه، اول به دخترم اشاره کرد که آیا می‌تواند از نردبان پایین برود یا نه. وقتی جواب منفی من را شنید، به نردبان دخترش رفت که دوسه سالی از دختر من بزرگ‌تر بود. خلاصه نردبان گذاشتند و دخترک از پنجره پایین رفت و در را که از داخل قفل شده بود، باز کرد. پیرزن مدام دعا می‌کرد. از اینکه همسایه‌ها دوش جمع شده بودند، خوشحال بود و مدام اصرار می‌کرد که به داخل برویم تا از ما پذیرایی کند. به خانه که برگشتیم، دخترم با همان بیان کودکانه‌اش گفت: کاش من هم می‌توانستم از نردبان پایین بروم و به خانم همسایه کمک کنم.



فردی در محدوده‌ما مشغول به کار است که به دکتر معروف است. دکتر مسئول تامین داروهای این نوع در داروگیا‌های است. او با وانت، پخش دارو بین عطاری‌ها از میدان فهمیده تا سه‌راه فردوسی را به عهده دارد



نگاه به مشکلی که از دید مسئولان مخفی مانده است

عطاری‌ها؛ پوششی برای موادفروشی مجاز

فرامرز

جواز کسی به دیوار زده است و فعالیت می‌کند ولی اینکه این جواز کسب چطور دریافت شده است یا آیا عطار، سواد عطاری دارد، معلوم نیست.

عطاری‌ها؛ موادفروشان قانونی

نمی‌خواهند نامش فاش شود. تاکید می‌کند که عضو شورای اجتماعی خطاب شود. او در این مورد می‌گوید: عطاری‌های مراکز مجاز توزیع مواد مخدر، هم صنعتی هستند و هم سنتی. وی عطاری‌هایی را که با سواد کافی، مردم را راهنمایی می‌کنند و درویر مواد هم نمی‌روند، مستثنی می‌کند و می‌گوید: همه بد نیستند. مردم هم می‌دانند که همه عطاری‌ها خلاف نمی‌کنند اما کم هم نیستند عطاری‌هایی که عطاری برایشان حکم پوشش را دارد. این عطاری‌ها از انبارشان مواد مخدری مانند شیشه، متادون و... را به صورت جزئی به مغازه می‌آورند. فروش که رفت، دوباره مواد فروخته شده را جایگزین می‌کنند. منظوری این است که مواد را به میزان کم و جزئی در مغازه نگه می‌دارند تا اگر دستگیر شدند، راه فرار داشته باشند.

او این کار را شگرد داروگیا‌های متخلف ذکر می‌کند و می‌گوید: وقتی گزارشی داده می‌شود و ما به عطاری مدنظر مراجعه می‌کنیم، عملاً چیزی گیرمان نمی‌آید. متخلف را با مقدار کمی مواد دستگیر می‌کنیم. متخلف طبق قانون، جریمه‌ای می‌دهد و به سر کارش برمی‌گردد. این می‌شود که با جدیت بیشتری به فروشش ادامه می‌دهد تا جریمه پرداخت شده را جبران کند.

این عضو شورای اجتماعی محلات، قانون را در این زمینه مشکل دار می‌داند و می‌گوید: باید طوری باشد که عطار برای بار دوم که دستگیر شد، مغازه‌اش پلمب شود. اگر این اتفاق بیفتد، تعداد عطاری‌های متخلف کم می‌شود و فرد متخلف خود به خود از چرخه توزیع مواد مخدر حذف می‌شود.

می‌کند. بارها دیده‌ام که مشتری، خواص داروی گیاهی خاصی را از او پرسیده است و او هیچ اطلاعاتی ندارد، فقط می‌داند که کدام گیاه چه نام دارد و قیمتش چند است ولی نمی‌داند به چه کار می‌آید و مثلاً برای سینوزیت چه دارویی خوب است.

پخش کردن قرص متادون با وانت

یکی از فعالان فرهنگی توس در این مورد می‌گوید: حداقل ۵۰ درصد درآمد داروهای گیاهی محدود ما از قرص‌های ترامادون، ب ۲ و... است.

وی ادامه می‌دهد: فردی در محدوده ما مشغول به کار است که به دکتر معروف است. دکتر مسئول تامین داروهای این نوع در داروگیا‌هاست. او با وانت، پخش دارو بین عطاری‌ها از میدان فهمیده تا سه‌راه فردوسی را به عهده دارد.

این فعال فرهنگی می‌افزاید: عملاً این نوع داروها، از محصولات پرفروش عطاری‌ها هستند. بیشترین فروش خیلی از عطاری‌ها از محل همین قرص‌هاست.

وی علت این امر را استقبال مردم از داروهای

شیمیایی می‌داند و می‌گوید: داروگیا‌های

فروش ندارد. در محدوده ما اگر کسی مریض

شود، یا با مواد مخدر خودش را درمان می‌کند

یا با داروی شیمیایی. داروی گیاهی مصرفی

ندارد.

تعدد عطاری‌ها در شهرک حجت

در یکی از جلسات شورای اجتماعی محله شهرک حجت به موضوع داروهای گیاهی و معضلات آن اشاره شده است. عضو شورای اجتماعی محله شهرک حجت در این مورد می‌گوید: در این محله در هر خیابان، لااقل یک عطاری هست. وقتی رفت و آمد به عطاری‌ها زیاد است، این فکر به ذهن می‌رسد که لابد خبری هست.

گل‌پری شکیب ادامه می‌دهد: هر عطاری فقط

فرامرز - دخترک اسکناس‌ها را در مشتش فشرد. دستش را دراز کرد و به سمت عطار محله گرفت. آرام گفت: «بابام گفته دو تا بده.» مرد جوان دستش را داخل کشوی کوچک پشت سرش فروبرد. دو قرص سبز رنگ برداشت و داخل پلاستیک کوچکی گذاشت. دخترک با چشم‌هایش عطاری را می‌کاوید. عکس‌های رنگی روی دیوار مغازه، توجهش را جلب کرده بود. مرد جوان، پلاستیک کوچک را به سمتش گرفت و دخترک با خوشحالی مغازه را ترک کرد.

فروش مواد مخدر از نوع گیاهی‌اش مدت‌هاست که در عطاری‌ها باب شده است. فروش متادون، قرص‌های دراگون و گاه مواد مخدر در بسیاری از نقاط منطقه مایه می‌شود. براساس اطلاعات رسیده به دفتر نشریه، عطاری‌های چند محله منطقه‌مان در این زمینه ید طولایی دارند. برای بررسی صحت و سقم این اطلاعات به جست‌وجو در منطقه پرداختیم و نکات جالبی را مشاهده کردیم. آنچه می‌خوانید، حاصل کنکاش مادر این زمینه است.

قرص‌های مخدر گیاهی در ایثارگران

پسر جوانی است که پدرش در حال ترک است. برای اینکه آرام آرام بتواند مصرف مواد را کنار بگذارد، مواد مخدر گیاهی را جایگزین مواد مخدر صنعتی کرده است. پسر جوان در این مورد می‌گوید: پیدا کردن این قرص‌ها کار سختی نیست. معمولاً بیشتر داروهای گیاهی از این دست قرص‌ها دارند.

او ادامه می‌دهد: من معمولاً از ایثارگران قرص می‌خرم. تاجایی که می‌دانم، ترکیبات این نوع قرص، کمی خشخاش و داروهای گیاهی با طبع گرم است.

وی به یکی از دوستانش که مغازه داروی گیاهی دارد، اشاره می‌کند و می‌گوید: دوستم در امامت، مغازه دارد. می‌توانم بگویم بیشتر مغازه دار است تا عطار، فقط فروشندگی